

درون‌گرایی

از نمودهای آشکار معماری و زیبایی و تناسب سردرها و گنبدها و ایوان‌ها بسیار سخن رفته و دفترهای گوناگونی به آن پرداخته‌اند. ولی آنچه که بیشتر شایسته بررسی است، گوهر معماری ایرانی و منطق ریاضی و عرفان نهفته در آن است. گرایش معماران کهن ایران به **میانسرا** (حیاط) و **پادیاو** و **گودال باغچه** و **هشتی** و **کلاه فرنگی** که **شبستانی**، گرداگرد آن را فراگرفته، همراه با **درون‌گرایی** در معماری، از دیرباز بخشی از منطق معماری ایران بوده است. همان گونه که در کاخ‌های تخت جمشید دیده می‌شود **اتاق‌ها**، **تالارها** و **ایوان‌ها** در پیرامون یک میانسرا جای گرفته‌اند. یا در کاخ‌های ساسانی و خانقاه‌ها و سراهای پس از اسلام هم، حتی در خانه‌های تهران سده پیش، دیده می‌شود که معمار ایرانی هیچگاه این گرایش منطقی را از دست نداده و همیشه خانه‌ها و کاخ‌ها را چنان ساخته که گویی مادری مهربان، فرزند دل‌بند خود را گرم در آغوش می‌فشرد.